

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۶، ویژه علوم اجتماعی

جریان شناسی انتقادی شبهات مطرح علیه تشیع در سه شبکه فارسی زبان ماهواره کلمه، نور، وصال حق

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۸/۱۰

حکیمه مهدیه نجف آبادی*

چکیده

ماهواره به عنوان یکی از رسانه‌های جدید با سطح وسیع‌تری از اطلاع‌رسانی و ارضاء نیازهای متنوع از مخاطبین به عنوان یکی از رسانه‌های پرتعداد مطرح است. که امروزه با توجه به تأثیر چشم‌گیر برنامه‌های ماهواره‌ای بر تغییر فرهنگ و منش اخلاقی کشورهای مذهبی، به عنوان یکی از حربه‌های دشمن برای مبارزه با عقاید کشورهای مسلمان درآمده است. از آن جا که چندین شبکه‌ی فارسی زبان ماهواره بر خلاف موازین و قوانین ایران مشغول به فعالیت هستند و از این میان شبکه‌هایی با مد نظر گرفتن اهداف سازمان‌دهی شده، سعی در تهدید و تخریب عقاید تشیع دارند. لذا توجه و تمرکز بر ایجاد و روند تکاملی این شبکه‌ها نیازمند تحقیقات گسترده است و تنها در همین صورت است که می‌توان بسیاری از جریان‌ها به وجود آمده از دل این شبکه‌ها و برنامه‌های آنها را مشخص و جریان شناسی کرد. هدف محقق از این جستار، جریان شناسی انتقادی شبهات مطرح علیه شیعه در سه شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان «نور، کلمه، رساله حق» می‌باشد. از آن جایی که بحث جریان شناسی شبکه‌های ماهواره‌ای با یک سری اطلاعات طرح شده در دست شبهات مواجه هست. لذا روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مناسب به نظر رسید. تحقیق حاضر با نگاهی دقیق و عمیق از بررسی شبهات به این نتیجه رسید که «شیعه هراسی»، «ایران هراسی» و نشان دادن چهره‌ای منفور و خشونت از ایران در بین کشورهای منطقه مورد هدف شوم انگلیس و وهابیت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جریان شناسی، شبهه، تشیع.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

۱- بیان مسئله

با پیشرفت تکنولوژی در عصر جدید پا به پای آن روند اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها نیز رشد چشم‌گیری داشته است. از طرفی تنوع رسانه‌ها و تبلیغات و اطلاع‌رسانی‌های هر کدام از آنها، طیف وسیع‌تری از اذهان را در بر می‌گیرد. ماهواره به عنوان یکی از رسانه‌های جدید با سطح وسیع‌تری از اطلاع‌رسانی و ارضاء نیازهای متنوع از مخاطبین به عنوان یکی از رسانه‌های پرطرفدار مطرح است. در بین شبکه‌های ماهواره‌ای بیش از یکصد شبکه فارسی زبان وجود دارد که در این میان ۱۵ شبکه به صورت اختصاصی به موضوعات دینی پرداخته‌اند. این شبکه‌ها شامل شبکه‌های مسیحی، شیعی، سنی و فرقه‌ای هستند. شبکه‌های مسیحی (محبت، نجات، امید ایران، ست سون پارس...) شبکه‌های شیعی (الزهراء، سلام، امام حسین، ثامن، ولایت...) برخی از شبکه‌های شیعی مانند شبکه سلام و اهل بیت ضمن مخالفت با جمهوری اسلامی به ترویج اسلام مخالف با مرجعیت و ولایت فقیه می‌پردازند، شبکه‌های تبلیغ اهل سنت (الرحمه، اقرا، نور، وصال فارسی، وصال حق، کلمه ۱ و ۲ و...) در واقع این شبکه‌ها به صورت ویژه و با اهدافی از پیش تعیین شده در جهت تخریب عقاید و ایجاد شبهه در اذهان مخاطبین به خصوص تشیع تأسیس شده است و در این جهت فعالیت می‌کنند. این شبکه‌ها با هدف قرار دادن اعتقادات شیعه و سوء استفاده از ناآگاهی یا کم‌آگاهی مخاطبان شیعه به تحریف عقاید و تاریخ تشیع و با شبهه‌افکنی و در راستای اهداف از پیش تعیین شده، بسیاری از مخاطبان را دچار تردید در اعتقادات‌شان می‌نماید. از این نمونه شبهات می‌توان به شبهاتی در مورد انتظار، عاشورا، ولایت فقیه، قرآن و... که مبانی اعتقادی شیعه را تشکیل می‌دهد اشاره نمود.

عواملی که به تولید و ترویج اینگونه شبهات اقدام می‌نمایند وهابیون تکفیری و روشنفکران غرب‌گرا هستند که در جهت اهداف از پیش تعریف شده‌ی نظام متحد رسانه‌ای غرب که تحت سلطه صهیونیسم جهانی می‌باشد، با حمایت رژیم سعودی و محوریت اطلاعاتی اطاق فکر آمریکایی-انگلیسی کار خود را شروع کرده‌اند. از جمله اهداف اولیه و اصلی که در دستور کار این شبکه‌ها قرار گرفته است؛ تفرقه افکنی و خدشه وارد نمودن به وحدت شیعه و سنی به خصوص در میان جامعه ایرانی و نیز تکفیر شیعه، انکار ائمه اطهار علیهم‌السلام و تبرئه دشمنان اهل بیت مانند یزید، معاویه و... می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر، با تمرکز بر جریان‌شناسی سه شبکه سنی یعنی نور، وصال حق و کلمه، با نگاهی انتقادی بر اساس محورها و شاخص‌های جریان‌شناسی، سه شبکه مذکور را به دور از پاسخ دادن به شبهات طرح شده از سوی آنها جریان‌شناسی می‌کند.

۲- اهمیت مسئله

مؤثر بودن ماهواره در تغییر سبک زندگی، ارزش‌ها، اخلاق، علائق، نگرش‌ها، عقاید و... به طور عامل موجهی در کثرت تحقیق‌ها پیرامون آن است. در پی همین تأثیر و نفوذ در افکار و رفتار انسان‌هاست که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ابزار و رسانه‌های بیگانه در این زمینه است. با توجه به این که این تأثیرات می‌تواند ساختارهای روابط اجتماعی را متحول کند. لذا تمرکز و توجه ویژه‌ای را می‌طلبد که این تغییرات بر خلاف ضوابط و روابط رایج در فرهنگ و منش اخلاقی و مذهبی جامعه نباشد.

از آن جا که چندین شبکه‌ی فارسی زبان ماهواره در این خصوص و بر خلاف موازین و قوانین ایران مشغول به فعالیت هستند و از این میان شبکه‌هایی با مد نظر گرفتن اهداف سازمان‌دهی شده، سعی در تهدید و تخریب عقاید تشیع دارند. لذا توجه و تمرکز بر ایجاد و روند تکاملی این شبکه‌ها نیازمند تحقیقات گسترده است. و تنها در همین صورت است که میتوان بسیاری از جریان‌ات به وجود آمده از دل این شبکه‌ها و برنامه‌های آنها را مشخص

و جریان شناسی کرد. از آنجا که مدیران و برنامه ریزان جامعه با این نگاه جریان شناسانه است که می‌توانند جریانی را قطع یا جهت دهی مناسب کنند لذا جریان شناسی شبهات مطرح علیه تشیع در این شبکه‌ها برای مدیریت حکومتی و فرهنگی کشور بدیهی و لازم به نظر می‌رسد. به عبارتی جریان شناسی این مسئله ضرورت اساسی روزگار معاصر ایران اسلامی است. شناخت عوامل بستر ساز این شبهات، بازیگران و مجریان این جریان، تبلیغ‌کنندگان، کانال‌های نشر، زمینه‌های تولد این شبهات، اهداف و... از جمله مبادی اولیه برای سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی در کشور است.

مؤثر بودن ماهواره در تغییر سبک زندگی، ارزش‌ها، اخلاق، علائق، نگرش‌ها، عقاید و... به طور عامل موجهی در کثرت تحقیق‌ها پیرامون آن است.^۱ در پی همین تأثیر و نفوذ در افکار و رفتار انسان‌هاست که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ابزار و رسانه‌های بیگانه در این زمینه است. با توجه به این که این تأثیرات می‌تواند ساختارهای روابط اجتماعی را متحول کند. لذا تمرکز و توجه ویژه‌ای را می‌طلبد که این تغییرات بر خلاف ضوابط و روابط رایج در فرهنگ و منش اخلاقی و مذهبی جامعه نباشد.

از آن جا که چندین شبکه‌ی فارسی زبان ماهواره در این خصوص و بر خلاف موازین و قوانین ایران مشغول به فعالیت هستند و از این میان شبکه‌هایی با مد نظر گرفتن اهداف

۱. برخی از تحقیقاتی که در این مورد انجام شده عبارتند از: مجید، زندی، چشم‌های شیطانی ماهواره، نشریه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۶/۱۴.

- استوارت، هوور، ترجمه مجید اخگر، (برگزیده دانش نامه دین، ارتباطات و رسانه، هنر و اندیشه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸).
 - عالیه، شکر بیگی (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده، نشست انجمن جامعه شناسی ایران.
 - تقی، آزاد فراملکی، رسانه‌ها و فرهنگ‌ها، سروش، تهران، ۱۳۷۲.
 - زهرا، رفیعی، آسیب شناسی خانواده ی ایرانی، نشریه همشهری، ۱۳۸۴/۱۱/۲۴.
 - علی محمد، اسماعیلی، «جنگ نرم در همین نزدیکی»، ساقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
 - زلفعلی، فام، و گروهی دیگر، «بررسی تأثیر صنعت فرهنگ بر هویت اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»، نشریه رسانه، اطلاع رسانی و کتابداری، شماره ۷۶ (علمی - ترویجی)، زمستان ۱۳۸۷.

سازمان‌دهی شده، سعی در تهدید و تخریب عقاید تشیع دارند. لذا توجه و تمرکز بر ایجاد و روند تکاملی این شبکه‌ها نیازمند تحقیقات گسترده است. و تنها در همین صورت است که میتوان بسیاری از جریان‌ها به وجود آمده از دل این شبکه‌ها و برنامه‌های آنها را مشخص و جریان‌شناسی کرد. از آنجا که مدیران و برنامه‌ریزان جامعه با این نگاه جریان‌شناسانه است که میتوانند جریانی را قطع یا جهت‌دهی مناسب کنند. لذا جریان‌شناسی شبهات مطرح علیه تشیع در این شبکه‌ها برای مدیریت حکومتی و فرهنگی کشور بدیهی و لازم به نظر می‌رسد. به عبارتی جریان‌شناسی این مسئله ضرورت اساسی روزگار معاصر ایران اسلامی است. شناخت عوامل بسترساز این شبهات، بازیگران و مجریان این جریان، تبلیغ‌کنندگان، کانال‌های نشر، زمینه‌های تولد این شبهات، اهداف و... از جمله مبادی اولیه برای سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی در کشور است.

۳- سوالات تحقیق

سؤال اصلی: شبهات مطرحه از سوی شبکه‌های فارسی زبان ماهواره چگونه قابل جریان‌شناسی می‌باشد؟

سوالات فرعی:

عوامل مؤثر در شکل‌گیری این شبهات چیست؟

مهم‌ترین شبهات شبکه‌های اهل سنت علیه شیعه کدام‌اند؟

اهداف در نظر گرفته شده در شکل‌گیری این شبکه‌ها چیست؟

شگردهای تبلیغی شبکه‌های ماهواره‌ای در ترویج شبهات چیست؟

۴- پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی جریان‌شناسی با عنوان خاص ماهواره تحقیق یا تألیفی یافت نشد. اگر چه تحقیقات و تألیفاتی در زمینه ماهواره، شبهات علیه تشیع، آسیب‌شناسی‌ها انجام شده است. ولی صرفاً به بررسی شبهات و یا آسیب‌های مطرح شده پرداخته است. لذا این تحقیق در این مورد، یکی از معدود نوشته‌ها در این باب می‌باشد.

تحقیق‌های موجودی که رابطه‌ی غیر مستقیم با این موضوع را دارند می‌توان در دو بخش مطرح نمود.

الف) جریان‌شناسی‌ها

پیشینه‌ی جریان‌شناسی در ایران نسبتاً شناخته شده است و آثار متعددی به خصوص در باب جریان‌شناسی سیاسی، فرهنگی به چاپ رسیده است. از میان این آثار می‌توان به موارد زیر به عنوان نمونه اشاره کرد:

«جریان‌شناسی رسانه‌های بزرگ» از خانم زهرا خرازی آذر، «جریان‌شناسی ضد فرهنگ» از دکتر عبدالحسین جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران» از رسول جعفریان، «جریان‌شناسی فکری در ایران معاصر» از عبدالحسین خسروپناه، «جریان‌شناسی سیاسی در ایران» از علی دارابی، «جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران» از رمضان شعبانی، «روش‌شناسی جریان‌شناسی» از سید محمدعلی غمامی، «شاخصه‌های جریان‌شناسی سیاسی» از محمد منصورنژاد، «جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور» از حمیدرضا مظاهری سیف.

ب) گزارش‌ها و پایش شبهات شبکه‌های مذهبی از سوی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، نیز از جمله آثاری است که به شناخت شبهات مطروحه از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای اختصاص دارد و در تحقیق حاضر از آن‌ها در راستای پیشرفت جریان‌شناسی استفاده خواهد شد.

از آنجایی که پژوهش‌های ذکر شده هر کدام نسبت به موضوعات مطرح شده‌ی ذیل عناوینشان به مبحث جریان‌شناسی پرداخته‌اند می‌توان از برخی از آنها به عنوان پژوهش‌های خط‌دهنده در مبحث جریان‌شناسی سه شبکه مطروحه استفاده نمود اما استفاده‌ی مستقیم از آنها با توجه به عدم تطابق موضوعی و بعضاً محتوایی با موضوع پژوهش حاضر عملاً ناممکن است. پرداختن به مولفه‌های محتوایی و زمانی خاص و همچنین جهت‌دهی پژوهش به سمت آن اهداف از سوی نویسندگان، یکی از وجوه افتراق پژوهش حاضر با آن پژوهش‌ها و عدم استفاده‌ی مستقیم از آنهاست. اما از آنجایی که از بین روش‌های ذکر شده در پژوهش‌ها می‌توانیم به یک الگوی مناسب جهت چهارچوب نظری در این پژوهش برسیم، می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. در واقع نقطه‌ی اشتراک پژوهش‌های ذکر شده و پژوهش حاضر در همین مورد است.

۵- روش تحقیق

سؤال اصلی تحقیق، توصیف و تحلیل مرتبط یا توصیف وضع حاضر را می‌طلبد، شبهه‌افکنی در شبکه‌های ماهواره حتی اگر به صورت یک جریان مطرح نباشد ولی در میان محققان و پژوهشگران دینی و مذهبی یک جریان پاسخگویی به راه انداخته است که نتیجه‌ی آن سایت‌ها، کتاب‌ها و مقالات گوناگون است. لذا روش تحقیق کتابخانه‌ای مناسب‌تر و آسان‌تر است، اما چون در بحث جریان‌شناسی ما با یک سری اطلاعات طرح شده در دست شبهات مواجه هستیم لذا روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مناسب به نظر می‌رسد.

به اعتقاد فیلیپ استون روش تحلیل محتوا روشی است که به گونه‌ی عینی و براساس قواعد معین، مشخصاتی ویژه از یک پیام را کشف می‌کند. به هر حال می‌توان گفت که محققان به تحلیل محتوا به منزله روشی انعطاف پذیر برای تحلیل اطلاعات توجهی ویژه دارند. تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون است، و از رویکردهای برداشت

گرایانه حدسی و تفسیری تا رویکردهای نظام مند و دقیق را دربرمی گیرد. تحلیل محتوا معمولاً به دو روش تحلیل محتوای کمی و کیفی تقسیم می شود و محقق باید براساس طرح موضوع و با توجه به نوع استفاده از تحلیل محتوا و روال به کارگیری آن در مطالعه، از این دو نوع روش سود ببرد تا بتواند از سردرگمی و ابهام کاربرد میان دو روش دوری گزیند.

تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کد بندی، و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. تحلیل محتوای کیفی عمدتاً استقرایی شمرده می‌شود که بامراجعه مستقیم به داده‌ها می‌کوشد به نوعی جمع بندی نظری از آنها دست پیدا کند. همچنین یکی از ویژگی های بنیادین پژوهش های کیفی نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش شناسانه و کنترل شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت.

این تعاریف بیان می‌کنند که تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. بنابراین یکی از موضوعات درخور توجه در تحلیل محتوای کیفی، تصمیم گیری درباره این موضوع است که آیا تحلیل بر محتوای پنهان تأکید می‌کند یا آشکار؛ زیرا محتوای آشکار و محتوای پنهان در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوطاند، ولی تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوت‌اند همین عامل موجب شده است که محققان، تحلیل محتوای کیفی را به منزله روشی انعطاف پذیر، به ویژه برای داده های متنی در نظر بگیرند.

بر اساس نظریه شی یه و شانون می‌توان رهیافت های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به تحلیل سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از تحلیل محتوای عرفی و قراردادی ۲- تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی ۳- تحلیل محتوای جهتدار.

تحلیل محتوای عرفی: تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی بکار می‌رود که اهداف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله تحلیل محتوای تلخیصی: در این تحلیل، تمرکز بر روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است پژوهشگران از این نوع تحلیل محتوا در مطالعات تحلیلی انواع مقالات موجود در مجلات علمی و همچنین کتاب‌های مرجع استفاده می‌کنند.

تحلیل محتوای جهت‌دار: این روش را معمولاً بر اساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها بر اساس نقش نظریه در آنهاست. هدف تحلیل محتوای جهت دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. های پیش پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود.

در توضیح روش اجرا شده در این پایان نامه، ذکر این مطلب لازم است که در تحلیل جریان‌شناسانه‌ی سه شبکه از هرگونه تبیین خودداری شده است، لذا نیاز به چهار چوب نظری نبوده است.

در این روش نظریه‌ی از پیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. این امر پیش‌بینی‌هایی را درباره متغیرهای مورد نظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمز گذاری اولیه و ارتباط بین رمزها کمک کند، که نشان دهنده مقوله بندی به شیوه قیاسی است. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. بسته به نوع و گستردگی یک مقوله، محقق ممکن است نیاز داشته باشد با تحلیل پی‌درپی، در شناسایی زیرمقوله بکوشد. یافته‌های ناشی از تحلیل محتوای جهت‌دار می‌

توانند پیشنهادهایی برای حمایت یا عدم حمایت از یک نظریه داشته باشند. نظریه‌آزپیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. این امرپیش‌بینی‌هایی را درباره‌ی متغیرهای مورد نظر یا درباره‌ی ارتباط بین متغیرها فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمز گذاری اولیه و ارتباط بین رمزها کمک کند، که نشان دهنده‌ی مقوله بندی به شیوه‌ی قیاسی است. تحلیل محتوا با رویکرد جهت دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است. یافته‌های ناشی از تحلیل محتوای جهت‌دار می‌توانند پیشنهادهایی برای حمایت یا عدم حمایت از یک نظریه داشته باشند.

از آنجا که ما در تحقیق حاضر از دل نظریه‌های موجود در زمینه‌ی جریان‌شناسی الگویی با چهار مقوله را ترسیم نموده‌ایم و تا انتهای تحقیق جهت‌جریان‌شناسی شبکه‌های مورد تحقیق، بر اساس همین مقوله‌ها تحقیق را پیش برده و تحلیل می‌کنیم در واقع می‌توانیم جهت‌دار بودن تحلیل را در همین نکته خلاصه کنیم که جهت‌دار بودن بر اساس مقوله‌های برآمده از دل نظریه‌ی جریان‌شناسی خسرو پناه می‌باشد. و چنانچه در تعریف تحلیل محتوای جهت‌دار نیز آمد «تحلیل جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش مفهومی چارچوب نظریه یا خود نظریه است.» لذا با تاکید بر مقوله‌ها و تکیه بر روش به تحلیل اطلاعات و محتوای موجود در آنها می‌پردازیم.

۶- چهارچوب مفهومی تحقیق

در این بخش نکات کلیدی پژوهش از جمله جریان‌شناسی، تشیع و شبهه از لغت و تعریف اصطلاحی بررسی شده است.

۱-۱. جریان‌شناسی

در لغتنامه دهخدا «جریان» - به سکون راء - معادل خروج و پیشرفت، صدور و اتفاق و وقوع و طلوع و - به فتحه راء - معادل رفتن آب و جز آن، رفتن، روان شدن، به حرکت درآمدن و به تموج درآمدن معنا شده است.

در اصطلاح جریان عبارتست از: تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است. جریان دارای سه ویژگی و شاخصه اساسی است که عبارتند از:

۱- اجتماعی بودن و برخورداری از نوعی رفتار ویژه اجتماعی، ۲- دارا بودن تشکل و جمعیت، ۳- برخورداری از اندیشه مشخص و رفتار معین مرتبط با آن، از این رو به اندیشه منسجم و نظام مند یک شخصیت علمی که به صورت تشکل اجتماعی در نیامده است، جریان گفته نمی‌شود.

بر این اساس، جریان‌شناسی عبارت خواهد بود از شناخت منظومه و گفتمان، چگونگی شکل‌گیری، معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی و تأثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. جریان، در یک تعبیر گرایش یا گرایش‌های خاص اجتماعی است که منشأ تحولات جامعه‌شناختی می‌شوند؛ اعم از اینکه مبنای فکری و اندیشه‌ای داشته باشند یا فاقد مبانی ایدئولوژیکی باشند. اما جریا نه‌ای فکری، فرهنگی، سیاسی، گرایش‌های اجتماعی‌اند که هم مبنای ایدئولوژیکی و فکری دارند و هم کارکردهای فرهنگی «بنا بر این بسته به محل و نقطه‌ی تاثیر یک جریان است که جریان با عنوان‌های مختلف ایجاد می‌شود. از دیدگاه دکتر خسرو پناه اگر این گفتمان منجر به ایجاد تغییرات شود در این صورت است که میتوان گفت جریان اتفاق افتاده است. اما اینکه این تغییرات در کدام بخش از جامعه صورت بگیرد نیز جریان‌شناسی تعریف متفاوتی خواهد داشت.

جریان را می‌توان جمعیت‌نظام‌مند مدیریت شده و تاثیرگذار بر جامعه دانست که در عرصه‌های فرهنگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری رخ می‌دهد. مثلاً اگر تاثیر گذاری جریانی بر عرصه‌ی فرهنگ، باشد می‌شود جریان فرهنگی. با این تعریف جریان حتماً باید به یک نهاد اجتماعی تبدیل شود و شامل یک جمعیت باشد البته این بدان معنی نیست که همه‌ی جمعیت یک جریان آگاهانه از آن جریان حمایت کنند.

از نظر خسرو پناه گاهی این حمایت نا آگاهانه است اما به روند توسعه‌ی یک جریان می‌تواند کمک کند. از طرفی یک فرد نمی‌تواند یک جریان باشد اما می‌تواند رهبر و لیدر یک جریان باشد. به طور کلی با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت جریان‌های اجتماعی به چهار رویکرد مختلف تقسیم پذیرند:

۱- جریان‌های فکری؛ شکل و جمعیت اجتماعی است که از مبانی اندیشه‌ای برخوردار است و تأثیر گذاری آن بیشتر حوزه فکری است.

۲- جریان‌های فرهنگی؛ شکل و جمعیت اجتماعی است که بیش از آن که به مباحث فلسفی و کلامی بپردازند، از فعالیت فرهنگی و تبلیغی برخوردار هستند و بیشتر در زمینه فرهنگی و رفتاری تأثیر گذار هستند.

۳- جریان‌های سیاسی؛ شکل و جمعیت‌های اجتماعی است که رویکرد و فعالیت آن‌ها سیاسی است و تأثیر گذاری آن بیشتر در زمینه سیاسی است.

۴- جریان‌های اقتصادی؛ شکل و جمعیت‌های اجتماعی است که رویکرد آن‌ها اقتصادی است و در زمینه اقتصادی تأثیر گذار می‌باشند. (خسرو پناه، ۱۳۸۸، ص ۹).

بنابراین یک جریان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی حتماً حول محور یک فکر، اندیشه و مرام مشخص و معین شکل می‌گیرد و فرق آن با یک مکتب فکری، یا یک ایدئولوژی معین یا با اندیشه چند متفکر خاص در این است که از ذهن و از روی کاغذ خارج شده و به صورت عمل جمعی در عرصه‌ی اجتماع و جامعه ظاهر می‌شود. یک فکر،

ایده و مرام وقتی طرفدارانی پیدا میکند، به خصوص زمانی که طرفداران آن فکر و عقیده و مرام این فکر رامبنای عمل جمعی قرار می‌دهند، تبدیل به جریان می‌شود، حال این جریان میتواند فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنری، ادبی و یا سیاسی باشد. وقتی یک فکر، اندیشه و مکتب مبنای عمل و اقدام جمعی قرار می‌گیرد، جمعیت باورمند به آن به صورت داوطلبانه و گاه به گونه‌ای سامان مند برای رسیدن به هدف یا اهداف خاص و معین الهام گرفته از آن در مسیر مشخص و جهت معینی به حرکت در می‌آیند و جریان شکل می‌گیرد (فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۲، ص ۵)

۲-۱. شبهه

«شبهه»: جمع آن شُبّه و شُبّهات به معنای مثل، مانند، ابهام، نامعلوم بودن چیزی، آمیخته و مشکوک شدن حق با باطل، یا حلال با حرام است (مهیار، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ص ۵۱۶، بی‌جا، بی‌تا).

دَوُّ الشُّبّهات یا اصحاب الشُّبّهات به افراد مشکوکی گفته می‌شود که مورد سوء ظن باشند. امور مشتبه به اموری گفته می‌شود که تشخیص آن مشکل باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۰۳)

امام علی علیه السلام در وجه تسمیه شبهه می‌فرماید:

شبهه از این جهت شبهه نامیده شد که به حقیقت شبیه است. اما دوستان خدا در آن شبهه به روشنی یقین و نشانه هدایت خداوندی ره می‌سپارند و اما دشمنان خدا که به سیه‌دلی و کوری دچارند، در آن راهی جز ضلالت و گمراهی نمی‌سپارند (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۸۱).

همان طور که در معنای لغوی شبهه گفته شد، آنچه حقیقتش مشتبه و تشخیصش دشوار باشد؛ شبهه نامیده می‌شود، اما لزوماً این پوشیدگی؛ جنبه منفی ندارد، ولی به هر حال به دلیل پوشیده‌بودنش، ممکن است مورد سوء استفاده‌ی برخی قرار گیرد.

ارکان شبهه عبارت‌اند از: ۱. حقیقت؛ ۲. مشابه حقیقت؛ ۳. میزانی از شباهت به حقیقت که سبب خطا گردد. نکته قابل توجه در تعریف شبهه آن است که همواره به گونه‌ای با حقیقت پیوند دارد؛ به طور کلی تا حقیقت و میزان قابل توجهی از شباهت با حقیقت نباشد، اساساً شبهه‌ای شکل نخواهد گرفت.

هدف از سؤال یافتن حقیقت است اما هدف از شبهه سست کردن پایه‌های حقیقت؛ علاوه بر آن سؤال مؤدبانه طرح می‌شود، اما شبهه با انواع طعن‌ها، توهین‌ها و... همراه است و اما منظور ما از سؤالات و شبهات حدیثی، مجموعه سؤال‌ها و ابهام‌ها و طعن‌هایی است که در آن یک حدیث خاص مورد سؤال واقع و مضمون آن تکذیب شده است و یا آنکه اندیشه یا اعتقادی از مجموعه اعتقادات و معارف تشیع را مورد سؤال و تشکیک قرار داده‌اند و دستمایه‌ی آن سؤال یا شبهه، حدیث است (سایت حدیث).

تعریف فوق از سؤال و شبهه منحصرأ معطوف به مواردی است که با ابزار گفتار بیان شده است؛ در حالی که ابزار شبهه فراتر از گفتار است؛ از این رو لازم است در تعریف شبهه ابزار آن را به گفتار منحصر نسازیم؛ زیرا بسیاری از شبهات با ابزاری غیر از گفتار ابراز می‌شوند؛ با توجه به این نکته، تعریف صحیح‌تر شبهه به این شرح است: «هر پیام مشتمل بر دستگاهی شبه استدلالی که در آن یکی از باورها و بنیادهای اعتقادی یا تعالیم عملی دین مورد خدشه قرار گیرد یا منشأ خطا و اشتباه در شناخت درست آنها و هر حقیقتی شود.» اگر گفته شود: «راز اینکه شبهه می‌تواند منشأ اشتباه در شناخت حق یا عامل خدشه در بنیادهای اعتقادی و تعالیم عملی شود، شباهت آن با حق است؛ زیرا همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: *لأنها تشبه الحق*؛ بنابراین شباهت شبهه به حق از عناصر اصلی تعریف است؛ در حالی که در تعریف یاد شده این عناصر نادیده گرفته شده است؛ این گونه پاسخ داده می‌شود که مفاهیمی مانند «اشتمال بر دستگاهی شبهه استدلالی» و «خدشه دار کردن باورها و بنیادهای اعتقادی یا تعالیم عملی دین» و نیز «منشأ خطا و اشتباه در شناخت درست آنها» مفهوم موردنظر را در بردارد؛ زیرا اشتمال بر

دستگاهی شبه استدلالی، بر شباهت آن به مطالب برهانی و حق دلالت دارد و «خدشه دار کردن باورها و بنیادهای اعتقادی یا تعالیم عملی دین»، بر باطل بودن آن گواهی می‌دهد و نیز «منشأ خطا و اشتباه در شناخت درست آنها» بر تشابه آن با حق دلالت دارد؛ بنابراین نیازی به تصریح مفهوم یاد شده نیست.

همچنین در تعریفی که از شبهه بیان کردیم، آمده است که شبهه «مشمول بر دستگاهی شبه استدلالی است»؛ این بدان معناست که هیچ شبهه‌ای به خودی خود شکل نمی‌گیرد. هر شبهه بر عناصری شناختی استوار است و بر نوعی استدلال تکیه دارد. ساختار استدلال با دسته‌ای از گزاره‌ها همراه است که دستگاهی فکری را سامان می‌دهد. این دستگاه استدلالی همان قیاس است؛ قیاسی که باید از یقینات تشکیل شده باشد تا برهانی بوده، بالذات و به اضطرار منتج باشد (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۱۳)

۳-۱. تشیع

به لحاظ دستوری (صرفی)، در زبان عربی، «تشیّع» مصدر باب تفعّل از ریشه «شَیْعَ» (شاع) است، و واژه «شیعه» نیز از همین ریشه اشتقاق یافته است.

در اصل عربی، «شیعه» به معنای گروهی از مردم است، و اسمی است که بر مفرد، تثنیه و جمع، و نیز بر مذکر و مؤنث، به یک شکل اطلاق می‌گردد که در فارسی نیز به همین گونه است. البته اگر بخواهند تنها مفرد را قصد کنند چه در فارسی، و چه در عربی «شیعی» می‌گویند، و جمع آن در فارسی «شیعیان» است (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵۳۲). اما در عربی، با توجه به مراتب گوناگون جمع، «شَیْعَ» (جمع) و «اشیاع» (جمع الجمع) استعمال می‌گردد. در عربی، واژه «شیعه» در دو معنای لغوی نزدیک به هم به کار می‌رود: الف) «الشَّیْعَةُ» به شکل «مفرد» (بدون «اضافه» به واژه دیگر): به معنای «گروه» و دسته‌ای که بر سر امری یگانه، گردهم آیند.

ب) «شِيعَةُ الرَّجُلِ» (شیعه آن مرد؛ مثلاً) به شکل «مضاف»: به معنای «پیروان» و «یاوران» آن مرد.

در قرآن کریم، واژه شیعه در مجموع چهار بار، یک بار به شکل مفرد (مریم: ۶۹) و سه بار به شکل مضاف (قصص: ۱۵ و صافات: ۸۳) به کار رفته است که در آیه اول به معنای «گروه» و در سه مورد دیگر به معنای «پیرو» است. همچنین در قرآن کریم، در پنج مورد واژه «شِيعِ» (جمع) به معنای گروه‌ها استعمال شده است جالب توجه آن که در دو مورد از استعمال‌های قرآنی، واژه «شیعه» در برابر «عدو» (دشمن) به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۵۸)

قطه آغازین شکل‌گیری معنای اصطلاحی «تشیع»، به زمان حیات رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باز می‌گردد که آن حضرت در چند نوبت، درباره «حامیان علی عَلِيٌّ» اصطلاح «شِيعَةُ عَلِيٍّ» را به کار بردند. چنان که در موردی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اشاره به علی عَلِيٌّ، چنین فرمودند: «سوگند به کسی که جانم به دست اوست، این شخص [علی] و شیعیانش در قیامت رستگار خواهند بود» (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۳۴۴۰). جالب توجه آن که در زمان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور مشخص چهار تن از اصحاب آن حضرت، به نام‌های ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مقداد بن اسود کندی و عمار بن یاسر با لقب «شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلِيٌّ» شناخته می‌شدند (سعدبن عبدالله ابوخلف الأشعری القمی، ۱۹۶۳، م، ص ۱۵).

بر این اساس، واژه «شیعه» که در لغت، به معنای پیروان و یاوران است، در یک کاربرد اصطلاحی بر یاران و حامیان علی عَلِيٌّ اطلاق گردید البته باید دانست که در طول تاریخ، این کاربرد اصطلاحی شامل دو معنای متمایز و جدا از یکدیگر بوده است: یکی، عام و دیگری، خاص.

معنای اصطلاحی عامّ معنای اصطلاحی عامّ

به طور عام، اصطلاح «شیعه علی علیه السلام» به معنای «یاران و دوستداران علی علیه السلام و فرزندان او» است این معنا، در واقع ناظر به پیدایش دو جریان کلی، در تاریخ صدر اسلام است که بیانگر جدایی مسلمانان بر دو بخش است: یکی، دوستداران و هواداران علی علیه السلام و دیگر، رویاروی آنان. این جدایی و تقابل، از نظر تاریخی، گرچه به همان دوران حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باز می‌گردد، اما پس از رحلت آن حضرت بود که در ماجرای «سقیفه» (سال ۱۱ ق) کاملاً نمایان شد. سپس، در سطحی «فراگیر»، در دوران خلافت امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ‌هایی همچون «جمل» و «صفین» به پیکار و کشتار منتهی شد، چنان که علی علیه السلام با اشاره به شهادت یاران خود توسط اصحاب جمل، می‌فرماید: «[آنان] شیعیان مرا و کارگزاران مرا کشته‌اند.» (نصر بن مزاحم منقروی، ۱۳۸۲، ص ۵)

معنای اصطلاحی خاصّ

اصطلاح «شیعه علی علیه السلام» به طور خاص، بر پیروان مذهب تشیع در برابر پیروان مذهب تسنن اطلاق می‌گردد و ایشان کسانی‌اند که معتقد به امامت منصوب و بلافصل علی علیه السلام و فرزندان او، پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۱۴۶)

۷- یافته‌های تحقیق

هدف از پژوهش حاضر جریان‌شناسی انتقادی شبهات از سه شبکه ماهواره‌ای ۱. نور، ۲. کلمه و ۳. وصال حق می‌باشد.

۱- شبکه نور، مادر شبکه‌های وهابی فارسی زبان است. شبکه نور، اولین شبکه ماهواره‌ای وهابی و در حقیقت، مادر آنهاست که در سال ۱۳۸۷ با هدف ادعایی «ترویج

اهل سنت»، تأسیس گردید و مرکز پخش این شبکه، کشورهای امارات متحده عربی و انگلستان هستند.



سایت رسمی شبکه نور، در مورد انگیزه تأسیس این شبکه می‌نویسد:

«در عصر تکنولوژی، متأثر شدن فرهنگ ملت‌ها از رسانه‌های ماهواره‌ای در حالی صورت می‌گیرد که حقیقتاً تا چند سال گذشته، جای رسانه‌های فارسی‌زبان اهل سنت، به‌شدت احساس می‌شد و بر تمامی دعوت‌گران اسلامی، رهبران و خیرین واجب بود تا آستین همّت را بالا زده، و عرصه را برای شکل‌گیری یک رسانه جهانی فارسی‌زبان با عقیده اهل سنت و جماعت، مهیا نمایند، تا امت را از گرایش به شرک و الحاد، خرافات و بدعت‌های تحمیلی، بر حذر دارند؛ و از آنجایی که این امر، تبدیل به یک ضرورت قطعی شده بود، جمعی از علمای متعهد فارسی‌زبان داوطلب شدند تا تمام مساعی خویش را در امر تأسیس شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان، بر منهج اهل سنت و جماعت به کار بندند.

تا این که توکل بر الله و با هدف ترویج فرهنگ ناب اسلامی و سنت رسول اکرم ﷺ، این امر تحقق پیدا کرد و شبکه جهانی نور، به‌عنوان اولین رسانه فارسی‌زبان که اصول خود را بر اساس دین مبین اسلام، بر منهج اهل سنت و جماعت، پایه‌ریزی نموده است، در روز شنبه ۱۹ مرداد سال ۱۳۸۷ هجری شمسی، دیده به جهان گشود و پخش آزمایشی اولین برنامه‌های خود را بر روی ماهواره‌های هاتبرد، عربست و نایل‌ست، آغاز نمود»

در سال ۱۳۹۳، عبدالمجید ظهرايي در کسوت مدير شبکه، اهداف اين شبکه را اين گونه اعلام کرد:

مبارزه با باورهای غلط، بدعت‌ها و خرافات، با استفاده از اعتدال، صداقت و صراحت عجله نکردن در پرداختن به نشر سریع‌تر اخبار، و پرداختن به موضوعاتی که حادث می‌شود

پُر کردن خلأ نبود شبکه‌ای که دین را به مردم یاد بدهد؛ قبل از شبکه نور، شبکه‌ای که بتواند دین را که قرآن و سنت و سیره صحابه است به خانه مردم ببرد، وجود نداشت جهاد از طریق آگاه کردن مردم به قرآن و سنت

همگام بودن با عصر و زمانه

جلوگیری از جنگ‌های مذهبی و فرقه‌ای

جلوگیری از ظلم ظالم

رساندن صدای مظلومیت اهل سنت به جهانیان

جایگزین شدن با شبکه‌هایی که در ترویج خرافات، بدعت‌ها و تخریب افراد، تلاش می‌کنند

مبارزه با چیزهایی که به نام دین در جامعه مطرح شده است

تلاش برای رفع مشکلات اجتماعی و تربیتی و خانوادگی.

قالب‌های برنامه‌های شبکه

در شبکه نور، تقریباً از هر قالبی غیر از موارد مربوط به کودکان و خردسالان، استفاده می‌شود و برنامه‌های این شبکه را مواردی چون گفتگو محور، پخش قرآن و تفسیر، بیان

دعا و احکام، مستند، سینمایی، خبر و گزارش، کلیپ و میان برنامه، و مسابقه تشکیل می‌دهد.

معرفی برنامه‌های شاخص این شبکه

دریغ از یک جواب: در این برنامه کوتاه اما تأثیرگذار (بین ۶ تا ۱۰ دقیقه)، یکی از شبهات وارد بر مذهب تشیع را مطرح، و این‌گونه وانمود می‌کند که علمای شیعی، هیچ‌گونه پاسخی برای این شبهات نداشته و ارائه نکرده‌اند. استفاده از جلوه‌های بصری با گرافیک بالا، از شاخصه‌های این برنامه است که جذابیت آن را نزد مخاطب، بیشتر می‌کند.

سیری در نهج البلاغه

این برنامه با کارشناسی عبدالله کشتکار تهیه و تولید می‌شود و عمده تمرکز آن بر مسائل اختلافی بین شیعه و سنی است. در هر قسمت از برنامه، یکی از عقاید خاص شیعی مطرح شده و با استفاده از نهج البلاغه، این‌گونه وانمود می‌شود که این گفتار یا کردار شیعی، با سیره و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام منافات دارد و شیعیان با این که ادعای پیروی از حضرت علی را دارند، اما در عمل، فریب علمای سودجوی خود را خورده و به شریعتی غیر از شریعت آن حضرت، عمل می‌کنند.

بازتاب

این برنامه با هدف بررسی مهم‌ترین اخبار مرتبط با ایران در هفته گذشته تهیه، و به صورت زنده از شبکه پخش می‌شود. این برنامه، ماهیتی سیاسی دارد و به موضوعاتی مانند حقوق بشر اهل سنت و مواردی از این قبیل می‌پردازد، و تلاش می‌کند تا با برقراری تماس تلفنی صوتی یا تصویری با افرادی که با عنوان استاد دانشگاه و یا فعال حقوق بشر و فعال مدنی و مذهبی اهل سنت معرفی می‌شوند، جنبه رسانه‌ای برنامه را تقویت نماید.

اصحاب

این برنامه با اجرای محمدرضا آبکار و کارشناسی عبدالله کشتکار به صورت زنده از شبکه نور پخش می‌شود و هر برنامه آن، دو یا سه بار، بازپخش می‌گردد. ظلم شیعیان به اصحاب پیامبر و تحریف تاریخ زندگی یاران پیامبر، موضوع کلی و اصلی این برنامه است و در هر برنامه، یکی از عقاید شیعیان در خصوص صحابه، مطرح و با شواهد و قرائن مختلفی از تاریخ و سیره، سعی می‌شود بطلان این عقیده اثبات و چهره‌ای مخدوش از شیعیان و علمای شیعی به مخاطبان برنامه ارائه شود.

رودررو

این برنامه نیز ماهیتی سیاسی دارد و توسط محمد نور خرمی (محمودی) به صورت زنده اجرا و پخش می‌شود. در این برنامه با کارشناسانی تماس تلفنی برقرار می‌شود که عمده آنان مخالفین نظام جمهوری اسلامی هستند. مهدی نخل احمدی که به عنوان فعال حقوق بشر معرفی می‌شود، یکی از کارشناسان پای ثابت این برنامه است. بیشتر موضوعات این برنامه، بررسی حقوق اهل سنت در ایران، ولایت فقیه، سپاه پاسداران، و ارگان‌های مرتبط با رهبری نظام است که به مناسبت‌های مختلف سیاسی، یکی از آنها انتخاب و بررسی می‌گردند.

تولدی دیگر

در این برنامه که با اجرای سید منصور حسینی تهیه و پخش می‌شود، به بزرگ‌نمایی افرادی پرداخته می‌شود که قبلاً شیعه بوده‌اند و سپس با تغییری بنیادین، به سمت وهابیت متمایل شده‌اند و معمولاً تلاش می‌شود تا این افراد، به عنوان شخصیت‌های مطرح در مذهب شیعه و نظام جمهوری اسلامی معرفی شوند که پس از آشنایی با عقاید اهل سنت (یا به تعبیری وهابیت)، به بطلان عقاید شیعی پی برده و به راه راست برگشته‌اند. یکی از آخرین مواردی که معرفی شده است، سید مهدی موسوی است که با عناوینی چون

«دکتر» و «حجت‌الاسلام سابق» از او یاد می‌شود و یکی از افرادی است که پس از سال‌ها تحصیل در حوزه علمیه، به دامان وهابیت رفته و لب به سخنانی گزاف بر ضد مذهب تشیع و حوزه‌های علمیه باز کرده است.

کافه نور

این برنامه سعی دارد به گونه‌ای ماهرانه و در لفافه، انتقاداتی نیز به عقاید شیعی داشته باشد. طبیعی است که مخاطب این برنامه، قشر آسیب‌پذیر و سنین پایین جامعه است و به همین جهت می‌تواند تاثیرگذاری قابل توجهی داشته باشد.

بازخوانی تاریخ

موضوع کلی برنامه، همچنان که از اسم آن پیدا است، پرداختن به مفاهیم تاریخی است که به اعتقاد وهابیت، علما و مورّخین شیعه آنها را تحریف کرده و به شکل دیگری به پیروان مذهب خود، انتقال داده‌اند. کارشناسان این برنامه نیز در هر برنامه، متفاوت است و گاهی سید منصور حسینی به تنهایی در برنامه شرکت می‌کند و گاهی هم ظهرابی او را همراهی کرده و محوریت موضوعات، مطالبی است که رئیس شبکه مطرح می‌کند. به عنوان نمونه، در یکی از اولین قسمت‌های این برنامه، ظهرابی تأکید بر این داشت که زنان در طول تاریخ، حتی زمان جاهلیت، جایگاه و شأن و منزلت داشته‌اند و این که گفته می‌شود در آن زمان، زنان را زنده به گور می‌کردند و یا شأنتی برای آنها قائل نبوده‌اند، دروغی است که روافض آن را ترویج نموده‌اند.

شبکه کلمه، در رمضان ۱۴۳۲ هـ ق ۱۳۹۰/۰۳/۰۱ تأسیس شد. رویکرد این شبکه وهابیت سلفی و عمل کرد آن تند رو مذهبی است. برخی از محورهای برنامه این شبکه، ترویج و دفاع از افکار وهابیت، ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی با انجام حملات تند نسبت به اعتقادات مذهبی شیعیان به نام اهل سنت، ایجاد سوال و شبهه در خصوص اصل ولایت فقیه و

برنامه‌های شاخص این شبکه

طلسم شکنان

یکی از برنامه‌های شاخص شبکه کلمه که به مباحث اعتقادی با تکیه بر آیات قرآن می‌پردازد برنامه‌ی طلسم شکنان است. این برنامه که به صورت زنده پخش می‌شود با استدلال از آیات و با تاکید بر داشتن نیروی عقل و خرد به تخریب اعتقادات شیعه نظیر شفاعت، توسل، مرجعیت، ولایت فقیه و... می‌پردازد.

تضاد دلیل بطلان

این برنامه که به صورت زنده پخش می‌شود و دارای تکرار نیز هست توسط امیر شکری اجرا می‌شود. این برنامه از جمله برنامه‌هایی است که با موضوع اعتقادی و با تکیه بر آیات قرآن سعی میکند خط بطلانی بر عقاید شیعه بکشد. نظر خود سایت شبکه در مورد این برنامه چنین است:

«عنوان برنامه یعنی تضاد دلیل بطلان می‌خواهد توجه بیننده را به این موضوع جلب کند که عقیده، مذهب یا مکتبی که دچار تضاد و تناقض باشد لاجرم محکوم به بطلان است و یکی یا همه آن عقاید متضاد یا متناقض باطل می‌شود و برای رسیدن به عقیده‌ی صحیح باید دست از عقاید متضاد و متناقض شسته و رفع تضاد کند.

برنامه‌ی زیر ذره بین

این برنامه که با اجرای ابراهیم کیانی انجام می‌شود. هم زنده و هم دارای چندین بار تکرار است. کار این برنامه نقد و بررسی روایات کتب به خصوص کتب شیعی است. در این برنامه سعی می‌شود با رد روایات کتب شیعه و در واقع انتساب روایات به آخوندها، مسایلی چون امامت، عدل، و... را در بیان شیعه زیر ذره بین یا سوال ببرد و از طرفی با القا پدیده‌ای با عنوان «آخوندیسم» اهداف و اغراض خود را در مسایلی که در بین شیعیان

وجود دارد تزریق کند. این مسایل که اکثراً مسایل روز هستند شامل مسایلی نظیر: آخوندهای ایران عامل فقر و فساد، مخالفت آخوندها و مراجع تقلید با اصحاب پیامبر، آخوندیسم و مهدویت، آخوندیسم و فریبکاری و تزویر و... می باشد.

تریبون آزاد

این برنامه که دوبار در هفته پخش میشود و دارای تکرار هم هست توسط عقیل هاشمی اجرا میشود. شامل مباحث اعتقادی شیعه است. در این برنامه که به نحوی مناظره‌ی آزاد است سعی دارد به قول خودشان گفتگوی عادلانه را صورت بدهد تا حق مشخص شود. حقی که مبنایی اعتقادی دارد. اساس این برنامه از منظر آنها مناظره‌ای علمی است. و در نتیجه به این مطلب می‌رسد که اعتقادات شیعه که یکی از مهم‌ترین آن امامت است از لحاظ عقلی دارای اشکال است. به تبع همین مساله است که مباحثی نظیر توسل، شفاعت و... دارای اشکال است.

پژواک

مجری این برنامه عبد القادر ترشابی است. این برنامه که هم به صورت زنده و هم تکرار دارد به مباحث سیاسی و اجتماعی و حوادث دینی می‌پردازد. این برنامه که بیشتر جنبه‌ی سیاسی دارد سعی در مطرح نمودن مسایل روز جامعه ایران دارد تا بتواند از طریق آن اهداف سیاسی خویش را القا نماید.

شبکه وصال حق در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۷ تأسیس شد. مدیر این شبکه، شخصی به نام محمد انصاری است. رویکرد شبکه وصال حق، همچون دیگر شبکه‌های وهابی، این است که خود را نماینده اهل سنت (چه در ایران و چه خارج از کشور) معرفی و اینگونه وانمود کنند که مرجع مطالبات آنها هستند. این شبکه‌ها به شکل ماهرانه‌ای، خود را پشت نقاب اهل سنت مخفی کرده و تلاش می‌کنند هجمه فرقه وهابیت بر جهان اسلام را از اذهان دور نگاه دارند و اساساً ادعا می‌کنند مذهبی به نام وهابیت وجود خارجی ندارد و این

عنوان، از سوی جمهوری اسلامی برای توجیه سنی‌کشی‌هایش ساخته شده است. مهم‌ترین برنامه‌های این شبکه:

آن روی سکه

از جمله برنامه‌های انصاری و شبکه وصال‌حق، برنامه «آن روی سکه» است که کلیپ‌هایی از مطالب سخیف مطرح شده توسط برخی مذاحان یا منبری‌ها (بخصوص جریان منتسب به شیرازی‌ها) پخش نموده و در ادامه از مخاطبانش می‌خواهد که راجع به آنها اظهار نظر نمایند؛ یا با طرح مباحث روز و اتفاقاتی که محصول اشتباه فردی بوده و یا در جوامع دیگر نیز دور از انتظار نیست و طبیعت زندگی انسانی است، سعی در تخریب نظام جمهوری اسلامی و ایجاد بدبینی نسبت به مسئولان آن دارد.

این برنامه، کاملاً همسو و هم‌جهت با رسالت اصلی شبکه، یعنی اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی است؛ چرا که با پخش این‌گونه مطالب، شیعیان تحریک می‌شوند تا در موضع دفاع برآیند و احیاناً یا در مباحث، محکوم می‌شوند، و یا با برانگیخته شدن احساساتشان، با فحش و ناسزاگویی، تماس را قطع می‌کنند که خود، باعث مخدوش شدن چهره مذهب تشیع می‌شود. از سوی دیگر، اهل سنت، چه در داخل مرزها و یا بیرون از کشور، در صدد حمایت از کارشناس برنامه و شبکه برآمده و ضمن تماس، به نقد صحبت‌های دیگران می‌پردازند که این خود موجب پرورش کینه‌ها و تشدید اختلافات می‌گردد.

حجت بی حجت

کارشناس این برنامه که غالباً با اجرای محمد انصاری انجام می‌شود، عبدالقدوس دهقان است که چنانچه گفته شد، ید طولایی در مغالطه دارد و با طرح روایات مثبت وجود و حضور حضرت حجت (عج)، به نقد آنها پرداخته و به اصطلاح اثبات می‌کند که امام

زمانی وجود ندارد و آنچه شیعیان به آن معتقد هستند، امری خرافی است که با استناد به همین امر واهی، عقاید مردم را تحت تأثیر قرار داده و مسجد جمکران را بنا نموده‌اند.

امامان وهابی شیعه

این برنامه نیز توسط محمد انصاری تهیه و اجرا می‌شود و در آن، امامان شیعه به عنوان سنی معرفی می‌شوند؛ با این توضیح که ادعا می‌شود که نظر کارشناسان شبکه، تطابق کامل با دستورات اسلام و پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان دارد و اگر ایشان امروز حضور داشتند، اهل سنت و وهابی خوانده می‌شدند. شبهاتی که در این برنامه علیه مذهب تشیع مطرح می‌شود، به گونه‌ای است که عقاید مختلف شیعی را ذکر کرده و این سؤال از طرف کارشناس برنامه مطرح می‌شود که آیا واقعاً ائمه اطهار، این عقیده را قبول داشته‌اند؟ به عنوان مثال، آیا ائمه هم بر روی قبر یکدیگر، گنبد و بارگاه ایجاد می‌کردند؟ آیا امامان هم صیغه می‌کردند؟ آیا امامان هم بر روی مهر سجده می‌کردند؟ و... این برنامه، کارشناس محور و تعاملی است و بینندگان می‌توانند ضمن تماس از طریق شماره‌های اعلامی، در مباحث شرکت کنند.

بازسازی اندیشه

این برنامه ابتدا با موضوعاتی همچون سکولاریسم و... کار خود را آغاز نمود تا مخاطب را جذب نموده و بحث‌ها شکل بگیرد؛ اما به مرور، همچنان که پیش‌بینی می‌شد، با هدف اصلی، یعنی بررسی عقاید شیعی، و به اصطلاح، نقد و اصلاح این عقاید و اندیشه‌ها پیگیری شد. روش کار نیز به این شکل است که ابتدا یکی از عقاید شیعیان به عنوان عقیده‌ای نادرست و خلاف اسلام به بینندگان معرفی شده و سپس گفته می‌شود که اسلام در مقابل این عقیده باطل شیعه، جایگزین و الگویی صحیح دارد. به عنوان مثال، توسل به عنوان عقیده‌ای شرک‌آلود معرفی می‌شود و سپس بیان می‌شود که اسلام به جای بت‌پرستی و شرک، عقیده صحیح بکتاپرستی را آورده است.

دریچه

از جمله برنامه‌هایی که ممکن است تأثیر روانی شدیدی بر مخاطبین داشته باشد، برنامه «دریچه» است که با اجرای محمد انصاری، پیام‌های صوتی به اصطلاح، «موحدین» و کسانی که از مذهب تشیع دست برداشته و سنی یا وهابی شده‌اند، پخش می‌کند.

هرچند در صحت و سقم این تماس‌ها، تردید اساسی وجود دارد و احتمال جدی وجود دارد که بسیاری از آنها ساختگی باشد، اما به این دلیل که مخاطب هدف در این برنامه و به طور کلی، تمام برنامه‌های شبکه، عوام مردم و سطح پایین جامعه است که قدرت استدلال و توان تحقیق و تفحص کمتری دارند، می‌تواند تأثیرگذاری بالایی داشته باشد.

نقطه اشتراک تمام برنامه‌های تعاملی شبکه وصال حق، همچون دیگر شبکه‌های وهابی، تماس‌هایی است که از طرف افرادی که به صورت غیررسمی برای شبکه کار می‌کنند گرفته می‌شود؛ به این بیان که بارها دیده می‌شود که پس از تماس یک فرد شیعه که کارشناس برنامه، در مواجهه با او به اصطلاح کم می‌آورد، سریعاً فردی تماس می‌گیرد و با تخریب طرف مقابل، سعی می‌کند مطالب او را بی‌اثر نماید و کارشناس برنامه نیز با همراهی او، این‌گونه القاء می‌کند که «بله؛ من نیز متوجه بی‌سوادی این آخوند (هر کسی که اندکی معلومات تفسیری یا روایی داشته باشد، بلافاصله آخوند نامیده می‌شود) بودم ولی نخواستم خیلی با او وارد بحث شوم».

نتیجه‌گیری

آمیختن حق با باطل از طریق شبهه‌افکنی یکی از راه‌هایی است که جبهه مخالف دین همواره به آن تمسک جسته و تلاش می‌کند از این طریق چون موریانه تنه تنومند باورهای اعتقادی را تخریب کند. یکی از وظایف و اهداف مهم شبکه‌های مذکور ایجاد شبهه و تزلزل در اعتقادات شیعیان است. در واقع این شبکه‌ها با رویکرد ضد مذهبی و با زبان فارسی به ترویج مسلک خاص و تخریب چهره‌ی تشیع می‌پردازند. یکی از راه‌های رسیدن به این اهداف شبهه‌ی است که از طریق برنامه‌های خاص و سازماندهی شده مطرح می‌شود. این شبهات خود به موضوعاتی نظیر: شبهات دینی، شبهات اعتقادی، شبهات سیاسی، شبهات تاریخی، و... تقسیم می‌شود. در نگاه اول به شبهات مطرح شده ر این سه شبکه این مطلب به ذهن منتقل می‌شود که هدف از طرح شبهات در این شبکه‌ها تخریب چهره‌ی واقعی شیعه است اما با نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر از بررسی شبهات به این نتیجه می‌رسیم که «شیعه هراسی» و «ایران هراسی» دو مقوله‌ای هستند که در نهان فعالیت‌های کارگزاران و عوامل این شبکه‌ها به عمل می‌آید. سناریوی از پیش تعیین شده برای نتایج مشخص در واقع می‌توان گفت حتی هدف از «شیعه هراسی» یک هدف است و آن «ایران هراسی» است. نشان دادن چهره‌ای منفور و خشونت طلب از ایران در بین کشورهای منطقه برای اهداف شوم وهابیت و انگلیس. در این شبکه‌ها با استفاده از شیوه‌های روانی و تبلیغاتی علیه مذهب تشیع جنگی را علیه ایران و مذهب شیعه راه می‌اندازند که هیچ لشکر و سپاهی نمی‌تواند آنچنان خاک و خون به پا کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. حمیدرضا مظاهری سیف، جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، چاپ چهارم، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۳. رسول جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی و سیاسی در ایران، چاپ ششم، تهران، مؤلف، ۱۳۸۵، ۱۳.
۴. رمضان شعبانی سارویی، جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران، اول، قم، اعتدال، ۱۳۸۹، ۱۷.
۵. سید محمد علی غمامی، روش‌شناسی جریان‌شناسی، بولتن دیدبان، جریان‌شناسی و بایسته‌های مفهومی و روشی، قابل دسترسی در سایت دیدبان.
۶. عبدالحسین خسروپناه، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی، نشر رشید، ۱۳۸۸، ۱۵.
۷. مجمع فعالان فرق، ادیان، اقوام و مذاهب (مقام)، ۱۳۹۶، فریاد محرمانه (بررسی شبکه‌های وهابی نور و توحید)، شماره ۳.
۸. ابن تیمیة حرانی، منهاج السنه، انتشارات دارالکتب علمیه ج ۱.
۹. احمد فرامرزی قرا ملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، چاپ ششم، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۰.
۱۰. آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
۱۱. پایگاه دفتر مقام معظم رهبری، پرسشهای متداول.
۱۲. تبریزی، منصوره، تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۴ بهار ۱۳۹۳.
۱۳. جعفریان، رسول، جریا نها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب ۱۳۸۶ اسلامی، ۱۳۲۰، ۱۳۵۷ (تهران: مورخ، چاپ هفتم).
۱۴. جمیل صلیبیا، فرهنگ فلسفی، ترجمه: منوچهر صناعی دره‌بیدی، تهران، نشر حکمت، ۱۳۹۳.
۱۵. زهرا خرازی آذر، نرگس احسانی، جریان‌شناسی جهانی رسانه‌های بزرگ، تهران، دانشگاه آزاد، انتشارات کمیلی، ۱۳۸۸.
۱۶. سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ج ۲ ص ۱۰۳۷.
۱۷. سید رضی، نهج البلاغه، محقق، صبحی صالح، ص ۸۱، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. طهمورث، شبیری، ندا، عظیمی، بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک، مطالعات جامعه‌شناختی سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۱.
۱۹. عباس، اسلامی نخله، ۱۳۹۴. گفتمان حاکم بر بازنمایی شیعه در شبکه ماهواره‌ای نور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه صدا و سیما، دانشکده قم.
۲۰. عبدالحسین خسروپناه، جریان‌شناسی ضدفرهنگها، چاپ اول، قم، تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۱. علی دارابی، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸، ۱۶.

۲۲. غلامحسین مصاحب، دائرة المعارف فارسی، چ دوم، تهران، امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۰.
۲۳. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲.
۲۴. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، فرهنگ معارف اسلامی ج ۱۳، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق ص ۵۰۳، سید جعفر سجادی، ج ۲، ص ۱۰۳۷.
۲۵. محمد تقی، ایمان، محمود رضا، نوشادی، تحلیل محتوای کیفی، فرهنگ پژوهش سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۲۶. محمدحسین مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۷. محمدعلی لیالی و علی مجتبی زاده، جریان شناسی سیاسی: نگاهی به احزاب، گروهها و جریانهای سیاسی در ایران معاصر، دفتر نشر معارف مرداد ۱۳۹۳.
۲۸. محمود منصورنژاد، متغیرها و شاخصه‌های جریان‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی، سال هشتم، شماره سیام، تابستان ۱۳۹۰.
۲۹. مرتضی مطهری، سیری در سیره‌ی نبوی، چاپ اول، قم، انتشارات صدر.